

## فقرزدایی نیازمند رویکرد جدید



حمزه نوذری  
جامعه‌شناس و  
استاد دانشگاه

پس از انقلاب اسلامی ایران توجه به گروه‌های فرودست جامعه که در آن زمان با عنوان مستضعفین شناخته می‌شدند بیشتر شد به نحوی که سازمان‌ها و نهادهای مختلفی برای کاهش فقر و محرومیت‌بویژه در مناطق روستایی تأسیس شدند. سازمان‌هایی مانند کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و در ادامه سازمان بهزیستی تحت تأثیر فضای دهه ۱۳۶۰ اقدامات گسترده‌ای برای کاهش محرومیت انجام دادند. اما فقرزدایی و کاهش محرومیت نیازمند نوآوری و بازیابی مدام سیاست‌ها و راهبردها است. در دهه‌های بعد سازمان‌های حاکمیتی که برای کاهش فقر فعالیت دارند دچار انحراف شدند و نه تنها از هدف اصلی خود دور شدند بلکه به ضد خود بدل شدند. بیش از ۸۰ درصد بودجه‌های سازمان‌ها صرف حقوق و دستمزد مدیران و کارکنان می‌شود. بوروکرات‌ها با منابعی که به شکل‌های مختلف از جمله بودجه سالانه دریافت می‌کنند تبدیل به طبقه جدیدی شدند که باتوزیع ناعادلانه منابع به فقر و نابرابری دامن زدند. ناکارآمدی‌های گسترده بوروکراسی این دیدگاه را تقویت کرده است که فقرزدایی از مسیر دولت‌گرایی ممکن نیست. بوروکراسی نه تنها در فقرزدایی موفق نبوده است بلکه در توزیع نابرابر منابع نیز نقش داشته است. دولت‌ها در فقرزدایی اشتباهات بزرگی مرتکب شدند به این دلیل که خواسته‌اند با وام و تسهیلات بانکی مسأله فقر را کاهش دهند. یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که در جامعه ایران بسیار مطرح و اجرا می‌شود اعطای اعتبار و تسهیلات بانکی است. سیاست وام بانکی گویی نوشداری حل مسأله فقر است. این موضوع چنان هم‌گیر شده است که حل مسائل

مختلف از مشکل زنان سرپرست خانوار گرفته تا تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی و توسعه کارآفرینی وابسته به اعطای وام بانکی تلقی می‌شود. گاهی دولت‌ها میزان موفقیت در فقرزدایی را با حجم تسهیلات بانکی اعطایی می‌سنجند. ایمان به اعطای اعتبارات بانکی برای حل چالش‌های اقتصادی ریشه در درک نادرست و کوتاه‌بینی دارد. اعتبار تماما بدهی و قرض است و افزایش حجم اعتبارات یعنی افزایش بدهی و قرض. گفته می‌شود خانواده فقیری که در آمدی برای گذران زندگی ندارد را می‌توان با دادن وام بانکی حمایت کرد. نه تنها دولت‌مردان بلکه برخی دانشگاهیان و تحصیلکرده‌های رشته‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی نیز از ایده وام درمانی حمایت می‌کنند با این تلقی که به افراد فقیر قرض بدهید و بگذارید تولید کنند و می‌توانند با درآمد حاصل از فروش تولید و محصول وام را بازگردانند. عدم شناخت بازار هدف، ناآشنایی با مدیریت کسب‌وکار و... باعث می‌شود افرادی که تسهیلات ریسک از دست دادن همه ملزومات مادی خود رنجند. بحث ما به معنای مخالفت با اعتبارات و تسهیلات برای مسکن و برخی موارد دیگر نیست بلکه آن را به عنوان راه‌حل مفید فقرزدایی دانستن خطر بزرگی برای جامعه است. نقد بوروکراتیزه شدن فقرزدایی به معنای تأیید رویکرد نوابرابری (بازار آزاد خودتنظیم‌گر) نیست. دولت‌گراها علاج همه مشکلات از جمله فقرزدایی را در توسعه نقش دولت می‌دانند و بازارگراها راه‌حل را در گسترش بازار آزاد می‌دانند. اولی به تقویت بوروکراتیک کردن مسأله فقر و دومی به کالایی شدن و نابرابری بازار محور منجر می‌شود. در مقابل بازارگرایی جنبش‌های اعتراضی و مقاومت سر برمی‌آورند که طرح دعوی برابری را مطرح می‌کنند. مداخله دولت در

## واقع‌بینی، نیاز دهه پنجم



محمد سالاری  
عضو  
شورای شهر تهران

در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، واقع‌بینی در بررسی عملکرد مجموعه نظام و حاکمیت در بیش از چهار دهه گذشته، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در تمام سال‌های گذشته و اکنون، آنچه بیش از هر چیز دیگر در ایام دهه فجر به چشم می‌آید، ارائه آمارهایی از پیشرفت‌های کشور و مقایسه آن با دوران حکومت پهلوی است بدون آنکه سخنی از مشکلات، اشتباه‌ها و انحرافات به میان آید. شاید ماهیت اجتماعی این ایام که با برگزاری مراسم مناسبتی توأم شده است، توجیهی برای چشم‌پوشی بر مصایب و معضلات برشمرده شود ولی تردیدی نیست که از تکرار ده‌ها باره نگاه یکسویه به شرایط روز کشور و ارائه تصویری غیرواقعی از آنچه در بدن جامعه می‌گذرد، عایدی و ثمره‌ای نصیب هیچ‌کس نخواهد شد و حتی موفقیت‌های به دست آمده را نیز تحت الشعاع نارضایتی‌های عمومی قرار خواهد داد.

در سال‌های آغازین دهه پنجم انقلاب و روزهای پایانی قرن چهاردهم شمسی، مقایسه وضعیت کنونی ایران با سال‌های قبل از ۱۳۵۷ و شرایط کشور در دهه پنجاه، آن هم در حالی که بسیاری از کشورهای جهان و حتی همسایگان کشورمان وضعیت خود را نه نسبت به یک دهه قبل، بلکه با

چرا انسجام ملی مهم است؟ مفهوم انسجام چه در بعد ذهنی و چه از منظر عینی، اشاره به این است که با افراد یا اشخاصی که به هم بستیم ارتباطی متفاوت بودن آنها را پذیرفته‌ایم و پس از آن قائل به یکی شدن (اتحاد) یا متصل کردن (منسجم یا یکپارچه کردن) آنها خواهیم بود. با پذیرش این تعریف و مطابق با این دیدگاه، نگرش منطقی و عاقلانه این است که نه چیزی حذف شود و نه هر چیزی بیش از حد تأکید شود.

واژه ملت نیز اشاره به مجموعه‌ای از مردم است که از نظر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دارای مشترکاتی‌اند که از نظر جغرافیایی مکان مشخصی را شامل می‌شود و می‌توان بر روی نقشه جغرافیایی از آنها به عنوان یک ملت یا جنبه‌ها و هویت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... یاد کرد. از بعد جامعه‌شناختی عواملی چون سرزمین، دین، مذهب، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم، نژاد و دشمن مشترک به عنوان همگرایی و انسجام ملی در نظر گرفته می‌شوند.

وجود مؤلفه‌ها و شاخصه‌های نامبرده شده فوق

سطوح گسترده با رشد بوروکراتیک شدن رویه‌ها و سازوکارها همراه می‌شود که به قول لاکلاو و موفه در کنار بازاری شدن به دو منبع مهم نابرابری و تضاد تبدیل می‌شوند. پس بوروکراتیزه شدن جامعه مانند بازاری شدن متضمن نابرابری و طرد برخی گروه‌های اجتماعی است. خصلت دیوان‌سالارانه ساماندهی اجتماعی بدون ارتباط مناسب با جامعه مدنی و اقتصاد (بازار) اشکال جدیدی از تضاد و ناکارآمدی ایجاد می‌کند. به پرسش کشیدن سازوکارهای بازار آزاد و بوروکراسی دولتی برای فقرزدایی هم در نظریه و هم در عمل راه‌حل جدیدی می‌طلبد. کاهش فقر و ایجاد رفاه در سایه بازار بیشتر و دولت‌گرایی نیست. متفکران جامعه‌تلاشی برای ارائه دیدگاهی جدید فراسوی بازارگرایی و دولت‌گرایی برای فقرزدایی ارائه نمی‌کنند و دولت‌مردان نیز شرایط مناسبی برای این منظور ایجاد نمی‌کنند در این میان بحران‌های اقتصادی، بیکاری و تورم نیز وضعیت را بدتر کرده است. جامعه مدنی امروز ایران (گروه‌ها و نیروهای مختلف اجتماعی) بیش از پیش ایده بازار بیشتر و دولت‌گرایی (بوروکراتیزه شدن مناسبات و خدمات اجتماعی) برای کاهش فقر را به پرسش کشیده است. اندیشه زندگی برابری خواهانه بیش از پیش گسترش یافته است. اداره کردن و مدیریت دولتی مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی که دولت دنبال می‌کند، ناممکن است. چالش فقر ناشی از ایده دوگانه با بازار بیشتر یا دولت‌گرایی است.

با فروپاشی و بحران نظری دولت‌گرایی و بازارگرایی راه برای ظهور دیدگاه جدیدی برای فقرزدایی گشوده شده است. جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) عرصه‌های مستقلی نیستند که جدا از هم کار کرد داشته باشند پس «این سؤال که کدام بهتر است دولت بهتر یا بازار بیشتر؟ نادرست است. طرح این سؤال

زیاد، پشتوانه‌ای قدرتمند از یک ظرفیت عظیم مردمی را برای رسیدن به اهداف و آرمان‌ها ایجاد کرد که بدون تردید، تمامی دستورال‌های ۴۲ سال گذشته در ایام مختلف نشأت گرفته از همین منبع قدرت مردمی است. طبیعی است که برای ماندگاری و اقتدار نظام، حفظ و ارتقای رضایت و اعتماد مردم و برداشتن موانع حضور آزادانه، قانونمند و منصفانه آنان و نمایندگان شان در همه‌وجوه اداره کشور، امری محتوم است که نباید خلیی در آن به وجود آید چرا که تضعیف این پشتوانه مهم، امور دیگر را نیز مختل خواهد کرد.

در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و خرسندی و افتخار بابت پیشرفت‌ها و دستوردهایی که بخوبی و حتی فراتر از توقع و تصور در این روزها به آن پرداخته می‌شود، دردندانه باید اذعان داشت که نقاط قوتی همچون عدالت، ساده‌زیستی، مردم‌محوری، خدمتگزار ی صادقانه و خاضعانه، فسادستیزی و فراهم بودن شرایط حضور همه سایخ مختلف سیاسی بر اداره کشور، روز به روز در حال رنگ باختن، تضعیف و کم

توجهی عامیانه‌است. انحراف از آرمان‌ها و فاصله گرفتن از مطالبات بحق مردم و شکل‌گیری طبقاتی از مسئولان که اعتقاد و علاقه وافری به انحصارطلبی و خودی و غیرخودی کردن نیروهای درون نظام دارند و به دلیل حضور درمرکز قدرت دچار خودبرتری نسبت به جامعه شده‌اند، بزرگترین چالش پیش روی نظام در

مردمی؛ برنامه و راهکارهای مناسب ارائه دهند. سوم) ساخت فضایی مناسب از سوی حاکمیت جهت گفت‌وگو، تعامل بین مسئولان با یکدیگر و مسئولین با مردم به عنوان راهی که افشار مختلف جامعه، به دور از هرگونه ترس و نگرانی و به خطر افتادن آینده خود، بتوانند دیدگاه‌ها و نقدهای خودشان را بیان کنند. چهارم) شکل‌گیری این فضای تعاملی نیاز به همکاری همه نظام و قوا در عمل دارد. مسئولان، نمایندگان، وزرا، رؤسا و برنامه‌ریزان اختلافات خود را کنار بگذارند و خود را به عنوان مخاطبان مردم در نظر بگیرند و الگوی انسجام ملی باشند.

پنجم) برنامه‌ریزی مناسبی را مطابق با مصלحت مردم جامعه در نظر بگیرند، تصمیم آنها تصمیم مردم باشد، با شیوه‌های جدید به مطالبات مردم پاسخ دهند و به رف مشکلات بپردازند.

ایک در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نیاز است تا گاهی به مسیر طی شده خود بیندازیم و بار دیگر آرمان‌ها و شعارهای اول انقلاب را بازنگری کنیم. یادمان باشد برای حفظ این انقلاب و مرز و بوم، خون جوانان بسیاری ریخته شده است. شهدایی که از جان خود گذشتند تا اتحاد و انسجام ملی حفظ شود.



سه شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۹  
سال بیست و هفتم  
شماره ۷۵۶۳



کشورهایی که در زمینه فقرزدایی موفق عمل کرده‌اند ارتباطو آرایش مناسبی بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد ایجاد کرده‌اند

ما را به سوی چارچوب اشتباهی در تحلیل و غلبه بر فقر می‌کشاند. موفقیت در تحلیل و غلبه بر مشکلات پیش‌روی در تعامل و ارتباط مناسب میان جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار) است. راه‌حل موفقیت کشورها در غلبه بر چالش فقر بازاندیشی و رابطه جدید در آرایش مناسب بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد است. دستیابی به آرایش مناسب در راستای تدارک خدمات رفاهی برای «نوسازی» بخش عمومی به کار گرفته شود که وظیفه ارائه خدمات اجتماعی به جمعیت خود و فقرزدایی را برعهده دارد. بر این اساس جامعه مدنی دارای کارکرد اقتصادی و رفاهی با منطقی متفاوت از بوروکراسی دولتی و بازار آزاد است که در جهت کاهش بحران فقر به کار می‌رود. فقرزدایی در دهه چهارم انقلاب اسلامی نیازمند دیدگاه جدیدی است که من نام آن را آرایش مناسب میان جامعه مدنی، دولت و اقتصاد گذاش‌نام.



در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و باخرسندی و افتخار بابت پیشرفت‌ها و دستوردهایی که بخوبی و حتی فراتر از توقع و تصور در این روزها به آن پرداخته می‌شود، دردمندها باید اذعان داشت که نقاط قوتی همچون عدالت، ساده‌زیستی، مردم‌محوری، خدمتگزار ی صادقانه و خاضعانه، فسادستیزی و فراهم بودن شرایط حضور همه سلایق مختلف سیاسی در اداره کشور، روز به روز در حال رنگ باختن، تضعیف و کم

سال‌های پیش‌رو خواهد بود که با افزایش شکاف میان مردم و حاکمیت منجر شود می‌تواند زمینه ساز بحران‌های اجتماعی آینده باشد که باید در این روزها دلسوزانه نسبت به آن انداز داد. به همین دلیل شایسته است که امسال کمی متفاوت از گذشته و با لحاظ کردن جامع‌نگری و واقع بینی در تحلیل وضع موجود کشور و بررسی



ایک در آستانه چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نیاز است تا گاهی به مسیر طی شده خود بیندازیم و بار دیگر آرمان‌ها و شعارهای اول انقلاب را بازنگری کنیم. یادمان باشد برای حفظ این انقلاب و مرزو بوم، خون جوانان بسیاری ریخته شده است. شهدایی که از جان خود گذشتند تا اتحاد و انسجام ملی حفظ شود

شنید. اختلافات اندیشه در جامعه تا زمانی ارزش دارد که منافع عمومی جامعه به خطر نیفتد. در حقیقت تنها در این صورت است که مردم با مشاهده تحقق آرمان‌ها، رفح ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض، در آینده همراه نظام و انقلاب باقی می‌مانند و انسجام ملی حفظ خواهد شد.

### نقش ممتاز دانشگاه در پیروزی انقلاب



غلام‌رضا ظریفیان  
استاد دانشگاه

اگر بخواهیم تحولات دانشگاه را مورد بررسی قرار دهیم باید از مبدأ تأسیس تاریخ دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شروع کنیم. تقریباً یک سال بعد از تأسیس این نهاد، دانشگاه علاوه بر توسعه علمی و تربیت نیروی انسانی متخصص مسئولیت اجتماعی خود را هم آغاز کرد. همان سال‌ها دانشجویان در یک اعتراض جدی به حقوق معلمان همگام با معلمان تحصن کردند و از سال‌های بعد هم ما شاهدیم که دانشگاه آن نقش دفاع از بنیان‌های اساسی جامعه یعنی عدالت اجتماعی، آزادی و دفاع از حقوق اساسی را در کنار ماوریت ذاتی اش که تربیت نیروی انسانی و تولید دانش است به خوبی پیش می‌برد. در سال ۱۳۲۰ با شکل‌گیری انجمن‌های مختلف در دانشگاه رویه‌رو هستیم و از ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب در تمام اتفاق‌های مهم، نهضت‌های بزرگ و حرکت‌های اعتراضی و انتقادی و حتی در حرکت‌های رادیکالی از نقد رژیم گذشته تا نفی رژیم گذشته دانشگاه حضور داشته است. تقریباً می‌توان گفت که در بسیاری از حوادث مهم سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ دانشگاه حضور فعالی داشته است. در دوره‌ای هم این نقش اوج می‌گیرد که همان ۱۶ آذر ۱۳۳۲ است و از آن سال به بعد دانشگاه نقش نمایندگی پیدا می‌کند. در حقیقت دانشگاه در درون آن عقل نقادش فعال است و علاوه بر این یک موتور حرکت برای فعالیت‌های بیرون هم دارد. ما در کمک‌رسانی به احزاب مختلف نقش دانشگاه را بسیار پررنگ می‌بینیم. همچنین دانشجویان در کنار روحانین مبارز و فعال حضور داشتند و بعدها در کانون‌های فرهنگی مهم مثل کانون‌هایی که در استان‌های مشهد، تبریز، اصفهان بخصوص در حسینه ارشاد به‌وجود آمد نقش مؤثری در آگاهی‌بخشی و ایجاد فضای فرهنگی و در عین حال جنبشی در جامعه آن روز را داشتند. البته دانشگاه در راه مبارزه با رژیم گذشته هزینه‌های بسیاری می‌داد؛ دانشجویان بسیاری شهید، تبعید، زندانی و ممنوع التحصیل شدند. با اوج انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ به بعد به‌ویژه در اواسط سال ۵۷ ما شاهد هستیم که حتی روحانین مبارز یکی از پایگاه‌های اصلی‌شان دانشگاه است. آن تحصن بزرگی که در دانشگاه تهران رخ داد که بخشی از شخصیت‌های بزرگ روحانی حضور داشتند در مسجد دانشگاه تهران بود. بعد هم در پیروزی انقلاب دانشجویان کسانی بودند که کنار امام (ره) حاضر شدند و نقش فعالی در پیروزی انقلاب داشتند. بعد از پیروزی انقلاب هم نقش دانشگاه بسیار مهم است. در همان سال‌های اول انقلاب می‌بینیم که یک شبکه گسترده‌ای به نام تحکیم شکل می‌گیرد و در بسیاری از گفت‌مان‌سازی‌ها شرکت می‌کند و نقدهای جدی به بازگشت سلطنت‌طلبی و در دفاع از آرمان‌های بلند انقلاب دارد. البته این موضوع با شروع جنگ هم ادامه دارد دانشگاه در دوسطح نقش بنیادین و کلیدی داشت از یک سو بسیاری از نیروهای فعال و خوش فکر دانشگاه به جنگ رفتند و جزو فرماندهان دفاع مقدس شدند و نقش مهمی را در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ایفا کردند و شهدای دانشجو دومین رتبه را در شهدای کل کشور دارند و نقش دیگر دانشگاه در پشتیبانی‌های علمی از جنگ بود. دانشگاه همواره یک پایگاهی است که از یک سو برای توسعه کشور مهم بوده و از سوی دیگر محلی برای دفاع از حقوق اساسی مردم بوده است. می‌توان گفت که دانشگاه یک کانون بسیار مؤثر در جریان مردم‌سالاری و جمهوریت نظام است. نقش دانشجویان در بحث دفاع از حقوق مردم، حضور در انتخابات، دفاع از جمهوریت نظام، دفاع از هویت ملی و دینی دارد و این نقش هم یک نقش ممتاز است. امکان ندارد بخواهیم تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران را در این ۸۰ ساله اخیر بررسی کنیم و در تحولات کشور نقش دانشگاه را مشاهده نکنیم و تا به امروز هم این نقش پررنگ و فعال است.

### عقلا نیت اجتماعی برای اعتماد به انقلاب

در نظر انقلابیونی که انقلاب کرده و تا به امروز گردونه روزگار را پیچوده‌اند، شاید این اتفاق همین دیروز رخ داده است. اما برای آن که بخواهند به مخاطب امروز در باره نیت انقلابی خود اعتمادسازی کنند، باید بتوانند معنای عمل خود را از عمق تاریخ بیرون آورده، از عمق تاریخ آزاد کرده و در موردش صحبت کنند. این امکان سخنی است، چرا که هر ساله در

مورد انقلاب اسلامی ایران صحبت‌ها می‌شود، اما این رویکرد، به‌صورت روزمره تداوم پیدا کرده و این سیره تداوم یافته جواب نگاه متقابل را نداده، بلکه نیازمند عقلا نیت اجتماعی در ارائه پاسخی متقن به انسان پرسشگر امروزی است. نه این که با اتفاقات تداوم یافته و برون‌دادهای تاریخی که چون گردی روی آن نشسته به‌دنبال ارائه پاسخ باشد.

هرکنش اجتماعی‌ای شامل دویخش است، یکی رویکرد ذهنی به آن و دیگری تحقق عینی‌اش. انقلاب هم یک بیرون‌داد اجتماعی از رویکردی ذهنی بود. اما هر رویدادی بیش از این که واقعیتی اجتماعی باشد، حادثه‌ای ذهنی بوده و از خیال آدمی برآمده است. انقلاب اسلامی ایران گامی در پی تحقق این رؤیاها بوده و اگر احیاناً یخویی محقق نشده باشد و نقدی بر آن وارد است، اشکال نه صرفاً بر نیت‌مندی ذهنی کنشگران آن، که بیشتر ناشی از گرد روزگار و جلوه

بیرونی‌اندیشه انقلابی است. درعالم واقعی تمام رؤیاها ی آدمی بخوبی آنچه در ذهن و شعار ترسیم شده است رخ نمی‌دهند. مخصوصاً اتفاقاتی که به این شکل هیجانی و غیرقابل کنترل رخ داده باشد. در نتیجه می‌توان از این ناکامی‌ها و گرد‌های زمان عدول کرده و به رؤیاها و باورهای انقلابی برگشت و از آن برای کنشگر اجتماعی امروزی سخن گفت. نخست باید بیرون‌دهای اجتماعی، اتفاقات هیجان‌های انقلابی، ناکامی‌های در جریان عمل و اشتباهات رخ داده‌ای که به لباس انقلاب تبدیل شده‌اند را از طوفان ذهنی انقلاب تجزیه کنیم. در این صورت است که کنشگر منصف امروزی که در پی تفسیر روشن‌تر از هر حادثه‌ای است خواهد توانست به رؤیاها ی خفته در تاریخ برگشت و از بطن آن و از زیر خوراک اتفاقات مختلف آن جوشش‌ها و احساس‌های در پی راهی را بجوید.

در چنین شرایطی انقلاب اسلامی می‌تواند آن ضمیر پنهان خود را بازجسته و به مخاطب امروزی ارائه نموده و آن جست‌جوی راهی را مجدداً در جامعه احیا کند. اعتماد به این رخداد ذهنی در صورتی می‌تواند خود را نشان دهد که آن پیام‌ها و آن آرمان‌ها و خواست‌های اصلی از زیر خاکستر حوادث پساانقلابی و کشمکش‌های سیاسی روزمره درآمده و خود را نشان دهد. پس می‌توان در مورد حادثه تاریخی اعتمادسازی کرده و آن نیات و آرمان‌ها و نیل‌ها رهایی از انسداد اجتماعی را باز جسته و به همان احساسات برگشت.

به این صورت کنشگر انقلابی برای جلب‌حسن تفاهم درباره نیتی که ازابتدادر

نگرش بود به معنای اولیه آن برگشته و در جریان تفسیر به مخاطب امروزی کمک کند، می‌تواند در مورد قصد آگاهانه انقلاب، مخاطب امروزی تفسیرگر

این پدیده را به‌حسن نیت و اعتماد در مورد دام و مفهوم معین انقلاب دعوت

کند. درباره شعارهای انقلاب اسلامی و فاصله‌های موجود شفاف‌سازی کند، از

آزادی، عدالت و استقلالی که در آن روزگار نیت کنشگران انقلابی بود بواسطه

سختی‌های عملگرایی سیاسی که در جریان کشمکش‌های درونی و بیرونی

کشورنمادین نشده برآوردی بی‌فاصله و روشن ارائه دهد.